

استراتژی، ساختار سازمان و موفقیت در صنعت مسکن

جفری دی. اسکافر

بخش هتل داری، مدیریت نهادی و رستوران، موسسه پلی تکنیک ویرجینیا و دانشگاه ایالتی، بالکزبرگ، U.S.A, VA24061

آیا موفقیت هایت، نتیجه روشی است که در تنظیم و ایجاد نظم در سازمانش به کار برده؟ نشانه های گردآوری شده تحقیق دال بر این است که چنانچه روش یک سازمان ساختاری یا سازمان یافته باشد تأثیرات شگرفی را بر عملکرد آن وارد خواهد ساخت. آیا هر گونه آژانس مسکن باید منطبق با همان ساختار باشند؟ احتمالاً نه! با این همه تعیین ساختار سازمانی مناسب در یک آژانس یا موسسه مسکن مستلزم تحلیل و تفکر شایان توجه است. نتایج برخی از یافته های تحقیقی قانع کننده نسبت به فاکتورهایی که بر تنظیم، یک سازمان و رابطه میان استراتژی میان استراتژی سازمانی، ساختار و اثربخشی اثر می گذارد، بدقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برخی از این مفاهیم در تحلیل ساختار سه موسسه ممکن متفاوت به کار گرفته شوند.

لغات کلیدی: استراتژی سازمان، ساختار سازمان، عملکرد، موفقیت، سازمان مسکن صنعت مسکن (یا اجاره منزل)

مقدمه: ماهیت موفقیت بلند مدت هر سازمان به لحاظ اقتصادی، بیانگر توانایی اش به بقا و پیشرفت است. استراتژی یک سازمان، مبنایی است که بر پایه آن سازمان در جستجوی نیل به موفقیت است. استراتژی یک سازمان به عنوان انرژی تعریف می شود که بستر مناسبی را برای توسعه شرکت، استفاده از قابلیت ها و منابع در سود بردن از فرصت های محیطی و یا کاهش تأثیرات حاصله از خطرات خارجی فراهم می سازد. (کوک 1975. صفحه 52) یک سازمان از طریق فرایند برنامه ریزی استراتژیک، به دنبال پیش بینی اکثر نیروهای است که بر امور روزمره اش اثر می گذارد. در مرحله بعد به دنبال ایجاد یک مبنای در استفاده از منابع و جهت گیری های شرکت (با هدف بقای بیشتر) است (ایسون و دنوبل 1981، ریله والسون 1981). برنامه ریزی استراتژیک، اقدامی است که به منظور کنترل سرنوشت شرکت و دستیابی به ثبات اهداف، صورت می گیرد. لذا تحت عنوان فرایندی محسوب می شود که از طریق آن مدیریت یک سازمان به بیان اهداف، خواسته ها و مقاصد سازمانی اش می پردازد. این مقوله شامل تحلیل فرصت ها و خطراتی است که یک سازمان با توجه به نقاط ضعف و قوتش با آن مواجه می شود. درک چنین تحلیلی مستلزم: (1) بررسی کلیه فاکتورهایی است که تأثیرات سوئی را بر سازمان، هویت آن، اعتبار و انتظارانش وارد می سازد. (2) تحلیل کامل ریسک های مرتبط این فاکتورها بویژه از بُعد تعهد به منابع و (3) تحلیل عمقی شرایط بازار و رقابت و (4) پایه ریزی حوزه های جایگزین فعالیت و طرحهای اقتصادی. از سوی دیگر پروسه برنامه ریزی استراتژیک شامل ارزیابی محیط، ارزیابی بازار، تحلیل نقاط قوت و ضعف سازمان و ارزیابی تأثیر اقتصادی هر یک از استنباط های بالا در سازمان است (رید والسون 1981). ساختار سازمان به عنوان یک الگوی تعیین کننده پارامترها و روش پایه ریزی سازمان است. ساختار یک سازمان بنا به تصور، چارچوبی مستدل در انسجام طرحهای استراتژیک سازمان بویژه به منظور تخصیص منابع بدست آمده آن است. از این رو، چارچوب ساختاری سازمان به عنوان مولفه ای عمده نسبت به کل استراتژی اش محسوب می شود. لذا تکیه بر منابع سازمانی به کار رفته در تأمین اهداف سازمانی، ابزار و راهکارهایی را ارائه می دهد. (چندلر 1962).